

ریزه کاری‌های تبلیغ دینی

ریزه کاری‌های تبلیغ دینی

.....
به نام خدای شمیم بهشت

که بر لوح دل، مهر او را نوشت

یکی از استادان حوزه می‌فرمود: «روزی به حضور یکی از دوستان صمیم و قدیم حضرت امام خمینی(ره) رسیدم و از او پرسیدم شما که آن همه مدت با حضرت امام بوده‌اید، رمز موفقیت ایشان را در چه چیزهایی می‌دانید؟» آن دوست دیرینه‌ی امام فرمودند: «یکی از رموز موفقیت حضرت امام(ره) در انجام دادن کوچک‌های بزرگ بود؛ یعنی حضرت امام کارهای خوبی را که نزد دیگران کوچک به نظر می‌آمد، بزرگ می‌شمردند و آنها را انجام می‌دادند و به کوچک بودن آنها توجهی نمی‌کردند، بلکه به خوب بودن آنها نظر داشتند.»

بدین منظور، 20 ریزه کاری در تبلیغ دینی را به قلم آورده‌ایم. امید است که مطبوعتان آید و مقبولتان افتد.



1) استاد قرائتی(حفظه الله) می‌فرمود: «هنگامی که در ایام تبلیغ و یا جز آن امام جماعت می‌شوید، از مَهرهای چند ضلعي، مانند مربعی و مستطیلی شکل – نه گرد و دایره‌ای شکل – استفاده کنید؛ زیرا يك بار امام جماعتی از مَهر گرد و دایره‌ای شکل در نماز جماعت استفاده می‌کرده است. هنگام بلند شدن از سجده، مهر به پیشانی او می‌چسبد و سپس بر زمین می‌افتد و به علت گرد بودن به حرکت درمی‌آید و از او فاصله می‌گیرد و در نتیجه، بدون مهر می‌شود.»



2) همیشه پنج چیز را در اندازه کوچکشان همراه خود داشته باشیم و به تناسب و در موارد نیاز به هر کدام، از آنها استفاده کنیم: 1- عطر؛ 2- شانه؛ 3- آئینه؛ 4- دستمال؛ 5- مهر و تسبیح.

این قلمزن، یکی از دفعاتی که متأسفانه قبل از سخنرانی، در آینه نگاه نکرده و خود را ندیده و به سمت محل سخنرانی رفته بود، متوجه شد که عمامه خویش را بر سر نگذاشته و با عبا و قبای بدون عمامه به طرف محل سخنرانی در حال حرکت است. حال اگر وی بعد از سخنرانی، از این موضوع آگاه میشد، چقدر مایه تعجب و تأسف او میشد.



3) دو تن از مبلغان روحانی در تلویزیون گفته‌اند که تاکنون چندین نفر از بینندگان برنامه‌های ما نامه نوشته و به ما تذکر داده‌اند که زیر بغل قبای شما پاره شده است، چرا آن را نمیدوزید؟ حتی یکی از بینندگان، نخ و سوزنی را در پاکت نامه گذاشته و برای ما فرستاده و گفته است که با این نخ و سوزن، زیر بغل قبای خود را بدوزید.

با توجه به این نکته و آگاهی نداشتن برخی مردم از علت بهداشتی نادوخته گذاشتن این قسمت از قبای مبلغان، پسندیده‌تر است که یا به طور کلی و یا حداقل در هنگام تدریس و سخنرانی در تلویزیون، از قباهایی استفاده کنیم که زیر بغل آنها دوخته شده باشد.



4) یکی از چیزهایی که تمرکز حواس مخاطب را از بین می‌برد، تکیه کلام‌های مبلغ، مانند «در واقع»، «عارضم به حضور شما» و «حقیقتاً» است. فی المثل، به سخن در پی آمده بنگریم که گوینده آن به چه مقدار از تکیه کلام «در واقع» استفاده کرده است: «در واقع باید به شما عرض کنم که آیات قرآن و روایات معصومان (علیهم‌السلام)، در واقع بهترین و بیشترین دعوت کننده به سوی عدالت گستری در جامعه هستند، ولی در واقع این خود ما هستیم که گاه مانع عدالت گستری در جامعه میشویم و زمینه بی‌عدالتی در بین مردم را در واقع خود ما فراهم می‌کنیم.»

بدین جهت، باید هرگونه تکیه کلامی را که مانع تمرکز حواس مخاطب میشود، از سخنان خویش حذف کنیم. برای این کار می‌توانیم به نوار یا لوح فشرده سخنانمان گوش دهیم و یا از کسی بخواهیم که با شرکت کردن در جلسات تدریس و سخنرانی‌هایمان، تکیه کلام‌های ما را یادداشت و به ما گوشزد کند.



5) اگر تلفن همراه داریم، صدای زنگ آن را به گونه‌ای انتخاب کنیم که با شخصیت تبلیغی و موقعیت اجتماعی و صنفی ما متناسب باشد. گاه دیده می‌شود که تلفن همراه برخی از مبلغان به گونه‌ای زنگ می‌خورد که صدای آن واقعاً در شأن آنان نیست و بلافاصله جلب توجه می‌کند و نگاه تعجب آمیز اطرافیان را به سوی خود خیره می‌نماید. از نام بردن و پخش کردن صدای برخی از این زنگ‌ها واقعاً معذوریم(!)



6) در هنگام تدریس و سخنرانی، به همهی شاگردان و شنوندگان خود نگاه کنیم. مثلاً نگاه نکردن به نیمی از مخاطبان، می‌تواند به معنای آن باشد که این عده را در تدریس و سخنرانی خویش در نظر نیاورده و به آنان توجه نکرده‌ایم و از نظر «روان شناسی شخصیت»، به شخصیت پنجاه درصد از مخاطبان خود احترام نگذاشته‌ایم.

فراموش نمی‌کنم که در جلسات درس یکی از استادان شرکت می‌کردم. در همان جلسات آغازین تدریس، متوجه شدم که آن استاد فقط به شاگردان سمت راست خود نگاه می‌کند. همین امر باعث شد که در جلسات بعدی، از نشستن در سمت چپ استاد خودداری کنم و به سمت راست ایشان، نقل مکان نمایم و رحل اقامت گزینم.



7) در ایام میلاد، لباس روشن بپوشیم و چهره‌ای شاد و متبسم داشته باشیم و در ایام وفات و شهادت، لباس تیره بر تن کنیم و چهره‌ای اندوهناک داشته باشیم؛ زیرا همان گونه که هر گلی بویی دارد، هر رنگی نیز تأثیری دارد، به طوری که امروزه موضوع و بحثی با عنوان «روان شناسی رنگ‌ها» مطرح و کتاب‌ها و مقالاتی در این زمینه نوشته شده است.



8) همیشه و به ویژه در ایام تبلیغ، قلم و کاغذی را کنار بستر خواب خود داشته باشیم؛ زیرا پیش از خواب، گاهی نکته‌ها و مطالب بیکر و جالبی به ذهن ما خطور می‌کند که اگر آن‌ها را یادداشت نکنیم، معمولاً پس از بیدار شدن، فراموشمان می‌شود.



9) در هنگام تبلیغ و تا آن جا که می‌توانیم، آداب اجتماعی را -

حتي اگر بسيار كوچك و جزيي به نظر آيند - رعايت كنيم؛ زيرا گاه همين امور كوچك و جزيي هستند كه امور بزرگ و مهم را تحت الشعاع خود قرار مي‌دهند و تأثيرات شگرفي بر آنها مي‌گذارند. مثلاً انگشت كردن در بيني و نگرفتن دست در جلوي دهان به هنگام خميازه كشيدن، آن هم در زمان تدريس و سخنراني، از مصاديق رعايت نكردن آداب اجتماعي است كه انجام دادن مصداق اول از سوي مُدرّسي، يك بار باعث شده بود كه همهي مخاطبان خود را از دست بدهد.



10) از انجام دادن حرکات و کارهاي يکنواخت و تكراري در هنگام تبليغ خودداري كنيم؛ زيرا انجام دادن اين گونه امور، موجب از دست دادن توجه مخاطب به ما ميشود و حتي ممكن است موجب اعصاب خُردي وي گردد. بازي كردن دائم با تسبيح و محاسن خود، بالا و پايين كردن عينك و به جلو آوردن و عقب بردن عمامه به طور مرتب، زدن انگشتها يا دستها بر هم و به شكلي خاص و به صورت مكرر، و پاك كردن گاه گاهي پشت گوشها با دست يا دستمال به طور رفتاري عادت گونه، نمونه‌هايي از اين امر است.



11) به مخاطبان خود كاملاً احترام بگذاريم و در گفت و گو و مخاطبه و رويائي با آنان، تا آنجا كه مي‌توانيم از كلمات و جملات محترمانه و مؤدبانه استفاده كنيم. في المثل، به جاي اينكه بگويم: «از همهي كساني كه قدم رنجه كردند و به اين مجلس آمدند، تشكر مي‌كنم»، چنين بگويم: «از همهي كساني كه قدم رنجه فرمودند و به اين مجلس تشريف آوردند، تشكر مي‌كنم.»



12) جز در مواردی كه ممكن است استفاده از بوي خوش براي خود ما يا اطرافيان ما زيان يا اشكال داشته باشد، حتماً در هنگام تبليغ عطر بزنيم و خوشبو باشيم. خوشبويي از چيزهايي است كه بر مخاطب، تأثيري خوشايند مي‌گذارد و شخصيت ما را در نگاه او ارتقا مي‌دهد و فرا تر مي‌برد.



13) در هنگام تبليغ و جز آن، كفشهاي خود را واكس بزنيم و با

کفشهاي کثيف و خاكي به تبليغ نپردازيم و تصويري منفي و نامطلوب در قالب ديدگان مخاطبانمان ننشانيم. يکي از شاگردان حضرت امام خميني(ره) ميگويد: «در نجف اشرف که در خدمت حضرت امام بوديم، ايشان هميشه نعلينهاي خود را واکس ميزدند و آن قدر خوب واکس ميزدند که نعلينهاي ايشان برق ميزد به طوري که حتي گاهي، مورد انتقاد برخي از متحجران و جمود فکran قرار ميگرفتند.»



14) به کارگيري بعضي از شوخيها و لطيفهها و حتي برخي از کلمات و تعابير در شأن ما، مبلغان، نيست و شايسته است - اگر نگويم که بايسته است - آنها را در تبليغ و تدريس و سخنراني بر زبان نياوريم. يکي از مبلغان در سخنراني خود و به مناسبتي، کلمه «خر» را بر زبان آورده بود. مقام معظم رهبري - مدظله العالي - پس از شنيدن اين کلمه در سخنراني آن مبلغ، به او تذکر داده بودند که از اين گونه کلمات در سخنرانيهايتان استفاده نکنيد؛ البته «تو خود، حديث مفصل بخوان از اين مُجمل».



15) اگر تلفظ درست کلمههاي و به ويژه کلمات خارجي را نميدانيم و در آن شک داريم، بهتر است که روزهي شکدار نگيريم و عطائش را به لقائش ببخشيم و از به کارگيري آن در تبليغهاي خویش خودداري ورزيم؛ زيرا ممکن است که آن کلمه را به صورت درست تلفظ نکنيم و با اين کار، شأن و آبروي علمي - تبليغي خود را تضعيف کنيم و لکهاي سياه رنگ را بر بوم نقاشي زيباي سخنرانيمان بريزيم. مثلاً يکي از سخنوران، بدون تحقيق و دقت و به اشتباه، کلمه «کِنْدِي» را که نام يکي از فيلسوفان بوده است، به صورت «کِنْدِي» تلفظ کرده بود که نام يکي از رئيس جمهوريهاي آمريکا است.



16) برخي از چيزها - خواسته و يا حتي ناخواسته - توجه مخاطبانمان را به خود جلب ميکند و چه بسا که ما را در دام ريا و خودنمايي و بزرگنمايي گرفتار سازد. مثلاً گرفتن تسبيح دانه درشت به دست و گذاشتن چهار انگشتر نگين درست و از جنسهاي گوناگون و به رنگهاي مختلف و در دو انگشت دست راست و دو انگشت دست چپ، ممکن است که توجه مخاطبانمان را کاملاً به خود جلب کند. بدین رو، بکوشيم که از اين بزرگنماييها و خودنماييهاي ناخواسته و يا (خدای ناکرده)

خودخواسته جدّاً^{۱۳} بپرهیزیم و به گفته دُر سَفْتِه‌ی خواجه‌ی شیراز گوش فرا دهیم:

غلام همت آن نازنینم * که کار خیر، بی‌روی و ریا کرد



(17) بسیار مواظب باشیم که بدن و به ویژه زیر بغل و جوراب‌های ما - بر اثر عرق و جز آن - بدبو و رمانده نباشند و این گونه امور، بین ما و مخاطبانمان فاصله ایجاد نکنند. هم چنین در حین تبلیغ، پاهایمان بدون جوراب نباشد؛ زیرا اگر احیاناً کف پاهایمان تمیز نباشد، مثلاً در حال نماز جماعت و به هنگام سجده، ممکن است که این نا تمیزی برای مأمومان و به ویژه مأمومانِ صف اوّل آشکار شود.



(18) همیشه ساعت خود را پنج دقیقه و یا حتی بیشتر، جلو نگه داریم تا به موقع در جلسات تدریس و تبلیغ و سخنرانی‌های خویش حاضر شویم. یکی از مبلّغان، حدود پانزده سال است که به این نکته عمل می‌کند و آثار و فواید خوبی را برای خود به ارمغان آورده است. شما نیز می‌توانید همین الان، ساعتان را پنج دقیقه و یا بیشتر به جلو ببرید و اگر در آینده، اثر مذکور و مانند آن را مشاهده کردید، در حق گوینده‌ی آن نیز دعای خیری بفرمایید.



(19) در هنگام سخنرانی و به ویژه در هنگام تدریس، تلفن همراه خویش را خاموش کنیم و از پاسخ دادن به تلفن کننده خودداری ورزیم، حتی به این مقدار هم که بخواهیم به تلفن کننده بگوییم الان در حال سخنرانی یا تدریس هستیم و از پاسخ دادن به او معذوریم؛ زیرا هنگامی که بنا نداریم با تلفن کننده حرف بزنیم، چه لزوم و فایده‌ای دارد رشته‌ی سخن را در برابر شنوندگان و شرکت‌کنندگان که گاه تعدادشان نیز بسیار است، قطع کنیم و به تلفن کننده بگوییم که در حال سخنرانی یا تدریس هستیم و از حرف زدن با وی معذوریم. گویند شخصی در حال خواندن نماز بود و زنگ تلفن همراه وی به صدا درآمد. گوشی را برداشت و به تلفن کننده پاسخ داد: «در حال خواندن نماز هستم. بی‌زحمت پنج دقیقه‌ی دیگر به من زنگ بزنید(!)».



20) در فروشگاه‌های لوازم التحریر، دفترچه‌های کوچکی برای یادداشت مطالب وجود دارد که از قسمت افقی و نه عمودی آنها سیمی شده‌اند. یکی از این دفترچه‌ها و يك قلم را همواره به همراه خود داشته باشیم تا اگر به نکته یا مطلب جالبی برخورد کردیم، بلافاصله آن را یادداشت کنیم و سپس در تبلیغ، از آن استفاده نماییم. این قلمزن، يك بار در اطلاعیه‌ای بر دیوار، دو بیت زیرین دربارهی امام زمان – عجل الله تعالی فرجه الشریف – را مشاهده کرده و بلافاصله آن را نوشته و بارها و بارها در برنامه‌های تبلیغی خویش – از جمله در همین جا و همین الان – از آن استفاده کرده است:

چه روزها که يك به يك غروب شد، نیامدی * چه اشک‌ها که در گلو رسوب شد، نیامدی

تمام طول هفته را در انتظار جمعه‌ام * دوباره صبح، ظهر، نه؛ غروب شد، نیامدی



منبع: صالحین آنلاین | قرارگاه سرگروه‌ها و مربیان فرهنگی

SalehinOnline.ir